

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۰۴/۲۷

نصیبه اکرم حیدری

روح شهدای جنگ آزادی وطن شاد و یاد شان جاودان



یاد آوری از سیه روز هفت ثور که آغاز یک فاجعه بس بزرگ در تاریخ کشور ماست، از یک جهت برانگیزننده نفرت بیکران ما نسبت به روس و مزدورانش میگردد، از جانب دیگر احساس ستایش و تحسین و سپاس را نسبت به شهدای راه آزادی و مردم شجاع افغانستان در ما درخشانتتر به تابش می نشاند، سزاوار اینست که درود بی پایان بفرستیم به همه شهدای راه آزادی وطن و بالخاصه به آن رادمردی که در برابر بیگانگان سر خم نکرد.

اگر در صف پیغمبران حضرت ابراهیم خلیل الله حاضر شد به امر خدای خود فرزند خویش را قربانی کند، در قطار رهبران این یگانه رهبریت که فرزندان خود را در راه وطن جامه مرگ می پوشاند و خود با فرزندان همراه در راه وطن جامه مرگ می پوشند و جام شهادت مینوشند.

شخصیتی که نباید به هیچ وجه صداقت و احساس وطنخواهی او مورد سوال قرار گیرد بجا خواهد

بود اگر بگویم که او کشورش و مردمش را دوست میداشت، ولی در راه تأمین مرام خود سخت به خطا رفت. من درین موقع، در این لحظاتی که یاد هفت ثور و کودتای ننگین مزدوران روس تداعی میگردد، از شخصیتی نامور و مطرح در اداره کشور یاد میکنم. آنهم نه بخاطر قدرت بودنش، نه بخاطر زندگی اش، بلکه بخاطر مرگ شرافتمندانه و شهادت قهرمانانه اش.

رهبریکه هستی ملی را به یغما نبرد و در پای بیگانه نریخت. برخلاف او هست و بود خود را در پای ملت خویش قربان نمود.

این شخصیت نامور، شهید محمد داود خان است که میگویند "نا عاقبت اندیش بود"، که میگویند "در سیاست و اداره کشور قابلیت لازم نداشت"، در محکومیت وی، در انتقاد از وی، در گذشته از این قلم حرف ها زیاد و تندى بر برگ های کاغذ چکیده و پخش گردیده است. اما این بار به مرگ سترگ، به شهادت کم نظیر و به آخرین لحظه های حیات آن فرمانروای سابق کشور می اندیشم که بین سالهای 1954 تا 1963 مقام صدارت کشور را داشت و با پی ریزی پلان های پنجساله در آنوقت برای آبادی و عمران کشور سعی بلیغ بخرچ داد.

نهضت نسوان و برداشت پرده تاریخ و سیاه از روی زنان و اجازه سهم آنان در مسایل کشوری و بالاخره دعوت از شیوه دیموکراسی در کشور قدم های بس مثبت ایشان است که تاریخ آنرا دایم گرامی خواهد داشت.

محمد داود خان، برخلاف عده کثیری از رهبران هنگام فراغت از امور کشوری عزلت نگزید و خاموش ننشست. وی زمان بین سالهای 1963 تا 1973 را به سرمایه شخصی به اعمار شفاخانه ها و مکاتب پرداخت. وی در 17 جولای 1973 با اعلام جمهوریت بحیث اولین رئیس جمهور کشور بکار آغاز و با بکار انداختن ریفورم های اقتصادی و سیاسی سخت در گیر بود، ولی او از طرز تفکر اتحاد شوروی در برابر افغانستان و در برابر منطقه بطور کلی اطلاعات درست بدست نیاورد. مسکو در این فرصت فعالانه برای یک پیمان امنیت آسیا سعی بلیغ بخرچ میداد و محمد داود خان برای تطبیق عالیترین پلان هفت ساله اش برای آبادی کشور نیازمند کمک اقتصادی بود. وقتی محمد داود خان از پلان و نصب العین

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

شوروی ها در برابر افغانستان اطلاع حاصل میکند و خود مستقیماً با حقایق روبرو می شود، او کشور و مردمش را در خطر بزرگی از جانب روس میبیند و شجاعانه در مذاکرات 13 اپریل 1977 که برای جلب کمک های اقتصادی صورت گرفت خطاب به "برژنف" میگوید: "افغانستان یک مملکت آزاد است، ما هرگز اجازه نخواهیم داد بما دیکته کنید که چگونه مملکت خود را اداره کنیم و چه کسی را در افغانستان استخدام نمائیم و اینکه چگونه و در کجا کارشناسی خارجی را استخدام کنیم. این همه انحصاراً و کاملاً حق دولت افغانستان خواهد ماند. افغانستان اگر لازم باشد، فقیر خواهد ماند، اما در عمل و تصمیم گیری خود آزادی خو را حفظ خواهد کرد".

مرگ و شهادت داود خان هیچ چیزی کم از مرگ قهرمانان تاریخ و کشور ما ندارد. مرگ وی از آن دست مرگهایست که تمام گناهان وی در برابرش خاک میگردد. مرگ افتخار آفرین، مرگ غروربار، مرگ قهرمانانه. در حالیکه میتوانست سلامت خویش و خانواده اش را کمایی کند، میتوانست سر تسلیم به ناخلفان فرود آورد، میتوانست فرار کند. اگر هیچ چیزی نه، حد اقل میتوانست اعضای فامیل خویش را که در آن موقع همراهش بودند از مرگ نجات دهد. اما او مرگ بزرگ را بر زندگی ننگین و تسلیم شدن ترجیح داد. انتخاب او در آن لحظات حساس، انتخابی بود که کمتر اشخاصی از طبقه حاکمه در تاریخ توانسته اند به آن عظمت برسند و به آنگونه مرگ را پذیرا شوند. داود خان با برادرش محمد نعیم خان و 29 تن از اعضای خانواده اش، اعم از زن و مرد و خورد و بزرگ، تا آخرین رمق در برابر کودتاچیان گماشته روس شجاعانه جنگیدند و در فرجام جام شهادت نوشیدند و سر به خاک وطن نهادند.

من در حالیکه کودتای منحوث ثور را دایم محکوم کرده و باز هم محکوم میکنم، خاطره شهادی آزادی کشور و در شمار آنان خاطره شهادت استثنایی محمد داود خان را گرامی و در خور تمجید و تجلیل میدانم. در واقع این اولین جنگ رویا روی را با کودتاچیان نمک حرام و مزدوران روس، شخص محمد داود خان و اعضای خانواده اش در "ارگ" کابل آغاز نمودند و ملت غیور و سرافراز و قهرمان افغان تا شکست و خروج روس، آنرا ادامه دادند.